

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

ندیدم گفتند ان باز سپید چه بود گفت روزی ان
پس نماز دیگر بر نای زردخانه در آمد سبزه
و پای همه روی زرد و موی سر اید ظاهر و بیاد
و دور گفت نماز بگرارد و سر بگردان و در نماز شام
انکه نماز بگرارد و باز سر بگردان و هر چه در حلقه
صوفی از ابدعوت خواند بود من پیش ان درویش
گفتم ای درویش ما ایش بدعوت حلیقه خواهیم آمد
تو نیز با ما موافقت کن گفت من با شما موافقت
مرا عصبی بیاید دیگر تو دانی هر جا که می خواهی
با محمد گفت با خود گفتم که درویش تو مستی است
با ما موافقت نمی کند و انکه از روی دیگری خواهد
از سخن وی سخدم و بدعوت رفتم و از روی وی یادام
چون طعام خوردیم و صحبت کردیم و سر آمدند
چون طعام خوردم و صحبت کردم و سر آمدند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

من خانه که باز آمدم درویش همچان حال خوش سرودن
بود بعد بگردان چون چشم در خواست رسول را
علیه السلام دیدم که می آمد و پیر باوی و خلفی
عظیم بر اثر وی می رفت کسی گفت ان سوال است
وارد و پیر یکی بر هم خلیل است و یکی موسی کلم است
علیها السلام و این خلفی عظیم که بر اثر زرد
بسیست و چهار هزار بیغما بر اند علیه السلام گفتا
من پیش رسول شدم تا سلام کنم روی مبارکش از من
بگردانید تا سه بار جبین کردم و من از ان حال بیستم
گفتم یا رسول الله چه کرده ام که روی از من میگرددانی
رسول روی سرخ کرده من باز نگرید و گفت یکی از روی
از نوع عصبه خواست باز رو تو جلی کردی از خواب
در آمدم از دهشت و بجای ان درویش رفتم جای خالی
اول سلام کردم و سر آمدند

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين